

درویشان بکتاشی در اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی از صفویه تا قاجار

حمیده شهیدی^۱

چکیده: طریقت بکتاشیه از قرن هشتم هجری در آناتولی ظهور کرد و در سایر بلاد گسترش یافت و به یکی از فرقه‌های مهم اسلامی تبدیل شد. به‌رغم اینکه این طریقت منسوب به یک ایرانی اهل نیشابور خراسان است با این حال در هیچ منبعی اثری از آنان در ایران یافت نمی‌شود. اما از سال ۱۰۶۹ ق در اسناد تشکیلات اداری آستان قدس موجود در مرکز آرشیو این مجموعه که موضوع آن مسائل مالی و حسابداری است به نام درویشان بکتاشی ساکن در کنار مرقد امام رضا - علیه‌السلام - برمی‌خوریم. این جماعت در دوره‌های مختلف صفوی، افشاریه و قاجار کمک مالی از آستان قدس دریافت می‌کردند. اگرچه تحقیقاتی در باب طریقت بکتاشی انجام شده، اما تاکنون اسناد مذکور مورد پژوهش قرار نگرفته است. از این رو این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا بر اطلاعات موجود در اسناد و منابع کتابخانه‌ای، اولاً در پی تبیین و شناساندن محتوا، ارزش‌های اطلاعاتی، ویژگی‌ها و اهمیت این اسناد بوده و ثانیاً در پی کشف علت رابطه درویشان بکتاشی با آستان قدس و دریافت کمک از این مجموعه است.

واژه‌های کلیدی: طریقت بکتاشیه، درویشان بکتاشی، آستان قدس رضوی، تشکیلات

اداری

۱ دانشجوی دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد/ کارشناس اسناد تاریخی مرکز آرشیو آستان قدس رضوی hamideshahidi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۲۷ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۲۵

Bektashi Sufis (Dervishes) In the Documents of the Administrative Apparatus of Astan Quds Razavi From the Safavid to the Qajar Era

Hamideh Shahidi¹

Abstract: The Bektashi order (*tariqat*) appeared in 8 AH/14 AD century in Anatolia, influenced other territories and gradually became an important Islamic sect. Despite being attributed to an Iranian from Nishabur of Khurasan, this order is absent from historical sources in Iran. Yet, from 1069 A.H/1658 AD onward, among the accounting and financial documents of administrative apparatus of Astan Quds Razavi in the Archive Center of this organization, we can find the names of Bektashi Sufis settling next to the holy shrine of Imam Reza (A.S). This community received financial support from Astan Quds Razavi in Safavid, Afsharid and Qajar eras. Although some research has been done about the Bektashi order, the aforementioned documents have not been studied yet. Thus, this study, using descriptive-analytic approach and relying upon the data of the documents and library sources, is aimed to describe and introduce the content, informational value, characteristics and significance of these documents in the first place, and tries to discover the reason why Bektashi Sufis has had some relationship with Astan Quds Razavi and has received financial support from it secondly.

Keywords: Bektashi order, Bektashi Sufis, Astan Quds Razavi, Administrative apparatus

1 Ph.D. Student in history of Islamic Iran, Ferdowsi University, Mashhad. Specialist in Historical Documents reserved in the "Astan- e- Quds- e- Razavi archive center hamideh.shahidi@gmail.com

مقدمه

فرقه بکتاشیه منسوب به حاجی بکتاش ولی در اوایل قرن هشتم در آناتولی ظهور کرد. راهیابی این طریقت به شبه جزیره بالکان در اسلام آوردن ساکنان آن سهم عمده‌ای داشت. امروزه بکتاشیه علاوه بر آلبانی، به‌طور محدود در ترکیه، سوریه، مصر و در بین ترک‌های مقیم اروپا رواج دارد.

قدیمی‌ترین پژوهشی که در باب طریقت بکتاشیه در ایران انجام شده است مربوط به مقاله «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه» است که در سال ۱۳۵۵ در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز توسط توفیق سبحانی و قاسم انصاری به چاپ رسیده است. در چند سال اخیر فرقه بکتاشیه مورد توجه قرار گرفته و آثار متعددی در قالب کتاب و مقاله به ویژه از سال ۱۳۸۹ به بعد در ایران در این زمینه به چاپ رسیده است.

در حوزه کتاب می‌توان از این آثار نام برد: سیر تاریخی طریقه بکتاشیه از عطا ابراهیمی‌راد؛ پیدایش طریقت علوی- بکتاشی در آناتولی از فهیمه مخبر دزفولی؛ مقدمه‌ای بر شناخت جامعه علویان ترکیه از مهدی جمالی فر؛ ترکان، اسلام و علوی‌گری - بکتاشی‌گری در آناتولی از محمد تقی امامی خوئی. در حوزه مقالات این آثار قابل ذکر هستند: «بررسی نقش و کارکرد طریقت‌های صوفی در امپراتوری عثمانی با تأکید بر طریقت بکتاشیه» از تقی شیردل و محمد حسن روزن‌هان؛ «نقدی بر مقاله حاج بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه» از فهیمه مخبر دزفولی؛ «قیام‌های علوی- بکتاشی آناتولی» از محمد تقی امامی خوئی. از مقالات نویسندگان ترک نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: «پیرسلطان ابدال» از عبدالباقی گولپینارلی و «شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم/ شانزدهم» از احمد رفیق.

در مرکز آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، اسنادی مربوط به تشکیلات اداری این مجموعه از دوره‌های صفوی، افشاریه و قاجار موجود است. تعداد اسناد یاد شده که به درویشان این فرقه اشاره دارد ۱۸۱ شماره اموالی و در مجموع ۴۰۰ برگ را شامل می‌شود. موضوع اسناد، مسائل حسابداری و مالی است. این اسناد به علت فقدان منابع مرتبط و دشواری بازخوانی آنها از سویی و نوع داده‌های آنها که به پرداخت‌های مالی به درویشان بکتاشی با خط سیاق اشاره دارد، مورد پژوهش قرار نگرفته است. با توجه به اینکه اسناد متعلق به بزرگ‌ترین نهاد وقفی ایران و جهان و موضوع آن مربوط به یکی از طریقت‌های مهم جهان

اسلام است، اطلاعات آن حائز اهمیت است. این بررسی در پی تبیین و شناساندن این نوع اسناد است و بر اساس سؤالات طرح شده، اطلاعات اسناد، توصیف، تحلیل و استنتاج می‌شود. این سؤالات عبارت است از:

۱. علت ارتباط آستان قدس با درویشان بکناشی چه بوده است؟
۲. ساختار، شکل ظاهری و ارزش‌های اطلاعاتی اسناد در دوره‌های مختلف صفوی، افشاریه و قاجار چگونه است؟
۳. نوع پرداخت مالی به درویشان بکناشی چه بوده و هزینه پرداخت از چه محلی تأمین می‌شده است؟

الف) شکل ظاهری و ارزش‌های اطلاعاتی اسناد

اسناد مورد نظر بازه زمانی ۱۰۶۹ تا ۱۳۲۴ق را در بر می‌گیرند و شامل ۱۸ شماره اموالی در دوره صفوی، ۵۸ شماره در دوره افشاریه و ۱۰۵ شماره در دوره قاجار و در مجموع تقریباً ۴۰۰ برگ سند هستند. اسناد در دوره‌های صفوی و افشاریه در باب موضوع مورد نظر تقریباً شبیه به هم بوده و شامل این موارد هستند:

۱. در دفاتر مختلف شامل اوارجه، توجیهات، روزنامه‌چه، مجمل جمع و خرج ثبت شده‌اند.
۲. رسیدهای پرداخت که در این دوره‌ها به‌عنوان قبض وصول شناخته می‌شوند. فرد دریافت‌کننده به دریافت مبلغ نقدی یا جنسی اذعان می‌داشت و در پایان مهرخود را بر آن ضرب می‌کرد.

قبض‌های وصول در کاغذهایی با ابعاد مختلف بدون نظم خاصی مشاهده می‌شوند. اما سایر اسناد در دفاتر بر روی کاغذهای فرد^۱ به طول ۲۳ و عرض ۱۳ به ثبت رسیده‌اند.

در دوره قاجاریه ساختار ظاهری اسناد با دوره‌های پیشین متفاوت و عبارت است از:

۱. برات که یکی از انواع اسنادی است که در این دوره مشاهده می‌شود. در صدر این

۱ در اصطلاح دیوانی ورقه‌ای به اندازه نصف قطع خستی که سواد فرمان‌ها و احکام و نیز جمع و خرج دولت و ایالات و ولایات را بر روی آن نوشته و آنها را روی هم دسته می‌کردند. در دوره قاجاریه از هر فرمان و حکم و نامه، سواد روی کاغذهایی به قطع کوچک که به آن فرد می‌گفتند، می‌نوشتند و آنها را روی هم می‌گذاشتند و مجموع فرامین و احکام و نامه‌های یک سال را بین دو تخته چوبی می‌بستند و در گوشه‌های نگهداری می‌کردند (دوهرل، ص ۱۷۲، به نقل از: جهانگیر قائم مقامی (۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انجمن آثار ملی، ص ۳۴. از آنجایی که رسوم دیوانی دوره قاجاریه تقلیدی از مقررات و روش اداری در دوره صفویه است می‌توان گفت این روش در دوره صفویه نیز معمول بوده است.

برات‌ها اول نوع پرداخت، نام دریافت‌کننده یا دریافت‌کنندگان وجه؛ سپس در وسط سند مبلغ تعلق گرفته و در پایین سند وجه مذکور حواله تحویلدار آستان قدس می‌شد. در پایان، ماه و سال سند ذکر شده است. پشت سند، مهر و طغرای متصدیان آستان قدس جهت اعتباربخشی به برات مشاهده می‌شود.^۱

۲. صورت خرج که در آن پرداخت‌ها و هزینه‌های بخش‌های مختلف آستان قدس به صورت روزانه در هر سال ثبت شده است. اگرچه در صدر اسناد از عبارت روزنامهچه، استفاده نشده است با این حال می‌توان از آن به عنوان اسناد روزنامهچه نیز یاد کرد.^۲

۳. رسید پرداخت که در صدر آن الواصل ذکر شده است. سپس موضوع پرداخت و نام دریافت‌کننده یا دریافت‌کنندگان، در وسط سند مبلغ تعلق گرفته و در انتها، تاریخ سند و در پایین، حاشیه چپ سند، مهر دریافت‌کننده مشاهده می‌شود. در پشت سند مهرمتولی وقت آستان قدس ضرب می‌شده است.^۳

۴. تک‌نگاری‌هایی از متولی آستان قدس خطاب به تحویلدار کل آستان قدس با موضوع دستور پرداخت^۴

۵. عریضه که در آن از آستان قدس درخواست کمک می‌شد. در حاشیه راست آن، متولی با درخواست کمک موافقت می‌کرد. گاهی در پشت سند شخص گیرنده، مهر خود را به عنوان دریافت مبلغ ضرب می‌کرد.^۵

در این دوره، اسناد روزنامهچه و برات در کاغذهایی با ابعاد یکسان به طول ۳۵ و عرض ۲۱ ثبت شده‌اند. باقی اسناد با اندازه‌های مختلفی مشاهده می‌شوند.

از لحاظ زیبایی شناختی باید گفت از آنجایی که اسناد مربوط به امور مالی و حسابداری است، فاقد هرگونه آرایه هنری است. نوع کاغذ آن در دوره صفوی و افشاریه از نوع کشمیری است و در دوره بعد، از کاغذهای فرنگی استفاده شده است. در تمام اسناد از خط دیوانی استفاده شده و اعداد و ارقام آن به خط سیاق ذکر شده است. البته عریضه‌ها در دوره قاجار به علت نگارش توسط افراد عادی، فاقد چنین ویژگی است.

۱ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، به عنوان نمونه نک: سند شماره ۲۱۵۵۸/صص ۱ و ۲.

۲ همان، به عنوان نمونه نک: سند شماره ۲۰۷۶/صص ۳ و ۷ و ۸.

۳ همان، به عنوان نمونه نک: سند شماره ۱۵۷۷۳/صص ۸۰.

۴ همان، به عنوان نمونه نک: ۱۶۸۹۰/صص ۹ و ۱۰.

۵ همان، به عنوان نمونه نک: ۲۴۰۹۷/صص ۵ و ۶.

- این اسناد دارای ارزش‌های اطلاعاتی متعددی هستند که در ذیل، به اختصار به آن اشاره می‌شود:
۱. اسناد مذکور مربوط به آستان قدس به‌عنوان بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین نهاد موقوفه شیعی در ایران و جهان است.
 ۲. این اسناد مربوط به بکتاشیه از طریقت‌های مهمی است که هم‌اکنون دارای پیروان زیادی است و در اسلام آوردن ساکنان شبه‌جزیره بالکان سهم عمده‌ای دارد. می‌توان از اسناد در نگارش پیشینه تاریخی این فرقه در ایران بهره جست.
 ۳. اسناد مربوط به فعالیت‌ها، نحوه اداره تشکیلات اداری آستان قدس و چگونگی انتظام امور است. از این رو زوایای تشکیلات اداری آستان قدس و نقش دولت مرکزی در اداره این مجموعه را روشن می‌سازد.
 ۴. اسناد مذکور در شناخت نظام پرداخت‌های مالی در آستان قدس به افراد در دوره‌های مختلف از صفویه تا قاجار اهمیت ویژه‌ای دارد.

ب) محتوای اسناد

به‌طور کلی اسناد مورد نظر در باب پرداخت و وظیفه، مقرری یا کمک به درویشان بکتاشیه است که چگونگی و کیفیت پرداخت در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. همان‌گونه که گفته شد بازه زمانی اسناد از سال ۱۰۶۹ تا ۱۳۲۴ ق است اما در تمام این سال‌ها از درویشان بکتاشی ذکر به میان نیامده است. اسنادی که به آنان اشاره کرده است این سال‌ها را در بر می‌گیرد: ۱۰۶۹ تا ۱۰۹۴ ق؛ ۱۱۲۸ تا ۱۱۴۷ ق؛ ۱۱۶۳ تا ۱۱۸۴ ق؛ و ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۳ ق. تا سال ۱۳۰۵ ق جماعت مذکور به‌صورت جمع و به این صورت در اسناد شناخته می‌شوند:

- درویشان بکتاشی
- درویشان تکیه بکتاشی
- درویشان تکیه غسلگاه مبارک
- درویشان تکیه قتلگاه مبارک

با توجه به اینکه در کنار درویشان بکتاشی کلمه تکیه نیز ذکر شده است، شناخت این تکیه بخشی از آگاهی ما را شامل می‌شود.

۱. تکیه درویشان بکتاشی

تکیه به معنای پشت به چیزی گذاشتن است و در اصطلاح به خانقاه و منزل دراویش و فقرا

گفته می‌شود و به عبارتی مجمع درویشان است؛^۱ و در زبان ترکی به صورت تکه به کار می‌رود.^۲ تکیه‌های بکتاشی با مساحت‌های مختلف ساخته می‌شدند، اما عموماً از چهار قسمت تشکیل شده‌اند: مهمان‌خانه برای استراحت و پذیرایی از میهمانان، آش‌خانه که معمولاً دیگ بزرگی در آن نگهداری می‌شد، نان‌خانه محل پخت نان و مهم‌ترین قسمت تکیه یعنی میدان تکیه که محل برگزاری مراسم مذهبی است.^۳

در هیچ یک از منابع تاریخی صفویه و افشاریه به تکیه بکتاشیه در مشهد اشاره‌ای نشده است. در منابع قاجار در دو جا نام تکیه مذکور آمده است. قدیمی‌ترین منبع مربوط به سال ۱۳۰۱ ق در کتاب *مطلع الشمس* است که در آن به کنیبه‌ای اشاره دارد که در قبرستان قتلگاه بر سنگ دیوار قدمگاه مسطور است. موضوع آن وقف مقبره‌ای واقع در تکیه بکتاشیه برای خود و فرزندانش است. به عبارتی در تکیه بکتاشیه مدفنی را برای خانواده خود وقف کرده است. در ادامه نیز آورده است: «دیگری را حقی و دخلی در مقبره مذکوره نیست و اگر کسی اراده مدفن، بی‌اذن او را داشته باشد از شفاعت پیغمبر صلی علیه واله بی نصیب گشته به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود».^۴

منبع دیگری که به این مکان اشاره دارد مربوط به کتاب *صدرالمتالهین لاهیجانی* است که طی گزارش‌های خود در باب *تاریخ و جغرافیای شهر مشهد* در سال ۱۳۳۰ ق به این تکیه اشاره کرده است. وی آن را معروف به تکیه بکتاشی‌ها معرفی کرده و مکان آن را در وسط قبرستان قتلگاه دانسته است. همچنین برطبق گفته دیگران عنوان می‌دارد که این مکان همان خانه حمید بن قحطبه است و امام رضا - علیه‌السلام - در آنجا منزل داشت.^۵

تکیه بکتاشی‌ها با استناد به اسناد، در قبرستان قتلگاه قرار داشته است. قبرستان مذکور در شمال حرم امام رضا (علیه‌السلام) بوده و در زمره قدیمی‌ترین گورستان‌های مشهد محسوب می‌شده است. در زمان شاه طهماسب اول در آنجا محلی به نام *غسلگاه* وجود داشته است. مهدی سیدی احتمال داده که *غسلگاه* بعد از واقعه قتل عام مردم مشهد توسط *عبدالمؤمن خان*

۱ لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه

۲ مهدی جمالی فر (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر شناخت جامعه علویان ترکیه*، تهران: امیرکبیر، ص ۲۲۵.

۳ فهیمه مخبردزفولی (۱۳۸۹)، *پیدایش طریقت علوی-بکتاشی در آنتولی*، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۳۲.

۴ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۶۲)، *مطلع الشمس*، مقدمه و فهرست: محمد پیمان، تهران: پیشگام، ص ۲۷۰.

۵ محمدبن محمد علی صدرالمتالهین لاهیجانی (۱۳۸۶)، *تاریخ و جغرافیای شهر مشهد*، تصحیح: محمد رضا قصابیان، مشهد:

انصار، ص ۶۶.

از یک به قتلگاه شهرت یافته است.^۱ در اسناد نیز در ابتدا به تکیه غسلگاه مبارک اشاره دارد^۲ و از سال ۱۱۴۵ق به تکیه قتلگاه مبارک تغییر نام داده است.^۳ بنابراین به گواه اسناد، غسلگاه همان قتلگاه است. لاهیجانی نیز به این امر اشاره دارد که قبرستان به هردو عبارت غسلگاه و قتلگاه معروف است.^۴

طبق اسناد این تکیه دارای یک تکیه دار نیز بوده است که متولی آستان قدس وی را از میان درویشان تعیین می کرده، چنان که در سال ۱۱۸۱ق متولی وقت آستان قدس جهت تکیه داری تکیه درویشان بکناشی برای درویش رضاعلی، تعلیقچه ای صادر می کند. در این تعلیقچه وظیفه درویش علی پاکیزه نگهداشتن تکیه، برفروبی پشت بام و مراقبت از عدم خرابی عمارت تکیه تعیین شده است.^۵

مشخص نیست تکیه مذکور از چه تاریخی تأسیس شده است. مهدی سیدی تکیه بکناشی ها را در ردیف ابنیه دوره نادری ذکر می کند،^۶ در حالی که به گواه اسناد، وجود این مکان در دوره صفویه کاملاً محرز است و به پیشینه پرداخت مالی به درویشان تکیه بکناشی براساس پروانچه صادر شده توسط شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۱ق باز می گردد.^۷ آخرین سندی که به تکیه مذکور اشاره دارد مربوط به سال ۱۳۰۵ق است.^۸ اثر صدرالمتهلین لاهیجانی آخرین منبعی است که در سال ۱۳۳۰ق به تکیه بکناشی ها در مشهد اشاره کرده است اما به این نکته اشاره ای نکرده که آیا در این زمان، تکیه مذکور محل مجمع درویشان است یا به عبارتی آیا کارایی دارد یا فقط به طور اسمی معروف به تکیه بکناشیه است. با استناد به این اسناد به نظر می رسد تکیه درویشان بکناشی بنا به علت یا عللی که برای نگارنده مشخص نیست از سال ۱۳۰۵ق کارایی خود را از دست می دهد چرا که بعد از آن، درویشان به صورت انفرادی از آستان قدس کمک دریافت می کنند.

۱ مهدی سیدی فرخند (۱۳۹۲)، نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد، مشهد: مرکز پژوهشهای شورای اسلامی شهر مشهد، صص ۷۱-۷۲.

۲ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد شماره ۳۳۲۶۴/صص ۱۴۲، ۳۷۷۲۵/صص ۵۲ و ۲۵۳.

۳ همان، اسناد شماره ۳۵۳۱۷ و ۳۵۲۷۳.

۴ صدرالمتهلین لاهیجانی، همان، صص ۶۶.

۵ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۶۷۵۲/صص ۷ و ۸.

۶ سیدی فرخند، همان، صص ۱۱۴.

۷ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۲۶۴/صص ۱۴۲.

۸ همان، سند شماره ۱۵۷۷۳.

۲. چگونگی پرداخت مقرری و محل تأمین آن

پیش از این اشاره شد که موضوع اسناد مورد نظر، مسائل مالی و حسابداری است و مبالغی به صورت نقدی و جنسی به درویشان تکیه بکناشی در مشهد پرداخت می‌شد. نوع، چگونگی پرداخت و محل تأمین هزینه آن در اسناد دوره‌های مختلف مشخص است. این موضوع در این دوره‌ها به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

- دوره صفویه

در اسناد دوره صفویه، درویشان تکیه بکناشی به عنوان جماعتی مستقل به همراه موالی و مشایخ ذکر شده‌اند و همانند آنها مقرری تحت عنوان «وظیفه» از آستان قدس دریافت می‌کردند.^۱ در باب وظیفه، مینورسکی معتقد است که نوعی اعانه و تصدق است که به صورت نقدی پرداخت می‌شد.^۲ هربرت بوسه وظیفه را اصطلاحی می‌داند که از جاهای مختلفی امکان پرداخت آن بوده و به دلایلی قطع می‌شد.^۳

طبق آنچه که از اسناد مستفاد می‌شود، وظیفه نوعی پرداخت کمک و مقرری به صورت نقدی و جنسی بوده است که به علما، خاندان‌های وابسته به روحانیون برجسته، سادات و درویشان تکیه بکناشی در مشهد پرداخت می‌شد. در اسناد، وظیفه‌بگیران جزو ارباب استحقاق معرفی می‌شوند و ممکن است به نسل‌های دیگر هم به ارث برسد. پرداخت وظیفه بر اساس موقوفات، با نظر حکومت بوده است. مجوز پرداخت، فرمان پادشاه به عنوان پروانچه بوده است که بنابر «ظهور اهلیت و شایستگی» شخص وظیفه‌بگیر صادر می‌شد.^۴ موقوفه‌ای خاص جهت هزینه پرداخت وظیفه به درویشان تکیه بکناشی موجود نیست، بنابراین علت پرداخت وظیفه به آنان دستور پادشاهان صفوی بوده است. در اسناد به دو

۱ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱/۳۴۵۰ ص ۵۶ و ۵۵.

۲ میرزا سمیعا (۱۳۶۸)، تذکره الملوک، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تعلیقات مینورسکی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیر کبیر، ص ۱۶۰.

۳ هربرت بوسه (۱۳۶۷)، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ترجمه غلام رضا ورهرام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۱۹۹.

۴ پروانچه توسط بالاترین مقام سیاسی یعنی شاه صفوی صادر می‌شد و مضمون آن بیشتر مربوط به امور جاری و تصمیمات مربوط به امور مالی است. جهت انتصاب افراد به مشاغل در مجموعه آستان قدس و تعیین حقوق آنان و پرداخت مواجب به نظامیان حکومتی و نیز پرداخت وظیفه به وظیفه‌بگیران و بازماندگان آنان، پروانچه‌ای صادر می‌شد که متصدیان آستان قدس ملزم به رعایت مفاد آن بودند (نک: حمیده شهیدی (۱۳۹۱)، طرح پژوهشی: گزیده پروانچه‌ها، ارقام و تعلیقه‌های آستان قدس رضوی در دوره صفویه، مصوب سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس (در دست انتشار).

پروانچه که بر اساس آن به جماعت مذکور وظیفه پرداخت می شد اشاره شده است. اولی مربوط به تاریخ جمادی الاول ۱۰۶۱ ق است که توسط شاه عباس دوم صادر شده^۱ و دیگری مربوط به ذی الحجه سال ۱۱۰۷ ق است که شاه سلطان حسین آن را صادر کرده است.^۲

در هر دو پروانچه، مبلغ نقدی ۶ تومان و مقدار جنسی ۳۰ خروار غله به صورت سالیانه از بابت وظیفه درویشان تکیه بکناشی در مشهد تعیین شده است. معمولاً ۱۵ خروار از مبلغ جنسی گندم و ۱۵ خروار جو بوده است.^۳ مبالغ مذکور توسط نماینده درویشان یا تکیه دار در قبال دادن قبض و ضرب مهر، وصول می شد. به طور نمونه در سال ۱۰۸۵ ق، دده بالم بکناشی به عنوان نماینده، مبلغ جنسی به میزان ۳۰ خروار غله را دریافت کرده و مهر وی در پایین، سمت چپ سند مشاهده می شود. در پشت سند دستور تقی الدین محمد رضوی به همراه مهر وی خطاب به مستوفی، جهت پرداخت مبلغ مورد نظر آورده شده است.^۴

محل مشخصی برای تأمین هزینه پرداخت وظیفه به جماعت مذکور تعیین نشده و در اسناد، منابع متفاوتی ذکر می شود. به طور مثال در مورد مبلغ نقدی: از محل قنات مزرعه شاه فیل مشهد،^۵ مزرعه حکیم آباد،^۶ طواحین میرعلیشیر، میرشیخم و کلوخ، وجه اجاره دکاکین خیابان سفلا و بازار خفافان.^۷ در مورد مبلغ جنسی: از محل مزرعه سرجرد و سمنجان جام، مزرعه کنه بیست و سنگور.^۸ مزرعه شاه فیل، حکیم آباد، سرجرد و سمنجان جام در این زمان جزو سیورغالات^۹ آورده شده و مابقی موقوفات آستان قدس است. به رغم این که مبالغ بر طبق پروانچه، به صورت سالیانه تعیین شده است؛ اما گاهی مشاهده می شود که در طی سال تقسیم شده و هر بار قسمتی از آن پرداخت می شود.^{۱۰}

۱ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۲۶۴ / ص ۱۴۲.

۲ همان، سند شماره ۵۶۵۵/۳۴۵۰۱.

۳ همان، سند شماره ۳۴۶۹۹ / ص ۳.

۴ همان، سند شماره ۲۴۵/۳۰۴۳۶.

۵ همان، سند شماره ۳۴۲۰۱ / ص ۱۱.

۶ همان، سند شماره ۳۴۲۰۱ / ص ۳۲.

۷ همان، سند شماره ۳۵۳۱۷ / ص ۳.

۸ همان، سند شماره ۳۴۶۹۹ / ص ۳.

۹ شاهان صفوی سیاست متفاوتی نسبت به سیورغال در پیش گرفتند. آنان سیورغالها را محدود و به اندازه های کوچک تری تقسیم کردند. در این دوره جهت گیری اعطای سیورغال که قبل از آن بیشتر به افراد نظامی و نخبگان سیاسی داده می شد به سمت و سوی طبقات مذهبی گرایید. بخشی از درآمد سیورغالات به پرداخت وظیفه به افراد اختصاص داشت (نک: ابوالفضل حسن آبادی (۱۳۸۶)، «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفوی» گنجینه اسناد، ش ۶۷، صص ۶۳-۷۸.

۱۰ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد شماره ۳۴۲۰۱ / صص ۳۲، ۹۳، ۳۷۲.

– دوره افشاریه

در دوره افشاریه تا سال ۱۱۶۳ق سندی که در آن به پرداخت وظیفه به درویشان تکیه بکتاشی اشاره کند، موجود نیست. پرداخت مجدد وظیفه به آنان در سال ۱۱۶۳ق ارتباط معناداری با تدوین طومار علیشاهی در سال ۱۱۶۰ق دارد و نشان‌دهنده رعایت مفاد آن است. چرا که طومار مذکور در حقیقت به منزله دستورالعمل یا به عبارتی لایحه بودجه آستان قدس است که در آن به موقوفات، تشکیلات اداری و پرداخت حقوق‌ها و وظایف در این مجموعه اشاره شده است. در این میان درویشان تکیه بکتاشی نیز بعد از موالی و مشایخ، در ردیف وظیفه‌بگیران قرار گرفته‌اند. مبلغ وظیفه‌ای که برای آنان در نظر گرفته شده است به مانند دوره پیشین به صورت سالانه ۶ تومان نقد و ۳۰ خروار غله است.^۱

در اسناد مورد نظر ذکر شده است که مبالغ، موافق دستورالعمل^۲ یا موافق طومار قرارداد^۳ پرداخت شود. چنین به نظر می‌رسد که منظور از آن، طومار علیشاهی است. در برخی موارد در اسناد این دوره، درویشان تکیه مذکور به‌عنوان سایر جماعت شناخته می‌شوند.^۴

محل تأمین پرداخت وظیفه به جماعت مذکور در این دوره با دوره پیشین متفاوت است و از محل درآمد موقوفات مزرعه طوق، مفرنقاه،^۵ باغات جنابد میان ولایت،^۶ مزرعه اسجیل بلوک جورمکن در مشهد^۷ و همچنین از محل مال و جهات^۸ قریه اخلومد پرداخت می‌شده است.

در این دوره نیز به‌رغم دستور پرداخت سالیانه، گاهی در برخی سالها مبالغ در چند نوبت در طی سال پرداخت می‌شد.^۹ تکیه‌دار یا نماینده درویشان، وظیفه جنسی را از انباردار^{۱۰} و وظیفه

۱ مرکز خراسان‌شناسی آستان قدس رضوی (۱۳۷۹) *طومار علیشاهی-۱۱۶۰ ق*، بازخوانی و تصحیح: مرکز خراسان‌شناسی آستان قدس رضوی، ص ۶۷.

۲ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۶۱۲۸/صص ۹ و ۱۰.

۳ همان، سند شماره ۳۵۸۶۷/ص ۳.

۴ همان، سند شماره ۳۶۱۲۷/ص ۲۱.

۵ همان، سند شماره ۳۵۸۶۷/ص ۳.

۶ همان، سند شماره ۳۶۰۲۷.

۷ همان، سند شماره ۳۷۵۳۴/ص ۴.

۸ اجاره بهای زمین. در برخی موارد به‌طور کلی به معنای مالیات است (محمدرفیع بن حسن مستوفی الممالک (۱۳۸۵)، *دستورالملوک میرزا رفیعا*، به تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ص ۵۷۰).

۹ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد شماره ۳۶۱۳۶/صص ۱۹، ۳۷۳۸۹، ص ۲۹.

۱۰ همان، سند شماره ۳۰۳۲۸/صص ۴، ۵، ۶.

نقدی را از تحویلدار آستان قدس^۱ در قبال دادن قبض و مهر آن دریافت می‌کرد.^۲

– دوره قاجاریه

محتوای اسناد قاجار در خصوص درویشان بکتاشی با دوره صفوی و افشاریه تفاوت اساسی دارد و دارای این ویژگی‌ها است:

۱. طبق اسناد، پرداخت مقرری به افراد به‌عنوان وظیفه منسوخ و بجای آن ماهانه یا شهریه به‌صورت نقدی یا جنسی پرداخت می‌شد. درویشان بکتاشی نیز به‌مانند سایر وظیفه‌بگیران هر ماه مبالغی مشخص دریافت می‌کردند. ضمن اینکه به صراحت به آنها واژه فقیر اطلاق می‌شد و گاهی از کمک پرداختی به‌عنوان ماهانه فقرا یاد می‌شد.^۳ پرداخت شهریه در اسناد تا سال ۱۳۰۵ ق به‌صورت جمع به درویشان تکیه بکتاشی پرداخت می‌شد و از آن سال به بعد، به‌عنوان شخصیتی حقیقی و به‌صورت انفرادی، کمک ماهانه دریافت می‌کردند. همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، به نظر می‌رسد این تکیه از سال ۱۳۰۵ ق کارایی خود را از دست می‌دهد. علت این امر برای نگارنده نامعلوم است، اما آنچه از اسناد مستفاد می‌شود بعد از این تاریخ برخی از آنان از جمله حاجی مجنون بکتاشی^۴ و حاجی رضا درویش بکتاشی^۵ جذب و استخدام آستان قدس شده و به‌عنوان فراش، مشغول به کار می‌شوند.^۶
- میزان شهریه‌ای که به مجموع درویشان تکیه بکتاشی داده شده است مبلغ پانزده قران و وجه نقد و ۲۲ من و نیم نان^۷ و شهریه جماعت مذکور به‌عنوان اشخاص حقیقی و منفرد سه قران و وجه نقد (۳۰۰۰ دینار) و ده من نان در اسناد ذکر شده است.^۸

۱ همان، سند شماره ۳۶۱۲۸/صص ۹ و ۱۰.

۲ همان، سند شماره ۳۰۳۲۸/۱ و ۲.

۳ همان، سند شماره ۱۵۷۶۶/صص ۸۳.

۴ همان، سند شماره ۱۶۰۵۰/صص ۱۳ و ۱۴.

۵ همان، سند شماره ۱۶۵۷۰/صص ۳۶.

۶ از آنجا که خدمت فراشی در آستان قدس جزو خدمه موروثی است یعنی از پدر به فرزند ذکور ارشد می‌رسد، نگارنده احتمال داد که احفاد آنان هم‌اکنون در آستانه مشغول به کار فراشی باشند. با بررسی بیشتر مشخص شد که خاندانی با عنوان بکتاشی به‌عنوان فراش، سالیانی است که نسل در نسل مشغول به خدمت هستند که به نظر می‌رسد با درویشان بکتاشی مورد نظر مرتبط باشند.

۷ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد شماره ۱۵۷۶۶/صص ۸۳، ۱۵۷۷۳/صص ۸۰.

۸ همان، سند شماره ۱۶۱۱۷/صص ۱۰.

۲. علاوه بر آنها در این دوره، درویشان بکناشی سایر کشورهای اسلامی که به واسطه وجود مرقد امام رضا - علیه السلام - به این دیار سفر کرده‌اند به‌عنوان زوار، ابناء السبیل و فقرا از آستان قدس کمک دریافت می‌کنند. افراد مذکور جهت گرفتن کمک، عریضه‌ای خطاب به متولی می‌نوشتند. در میان اسناد، ۵ عریضه مربوط به درویشان بکناشی موجود است. خصوصیات محتوایی آن به این صورت است:

- متن عریضه‌ها همه به زبان فارسی است. با توجه به اینکه صاحبان عریضه غیرایرانی بودند به نظر می‌رسد شخص دیگری به نیابت، عریضه را می‌نوشت.

- ملیت صاحبان عریضه آنچنان که در اسناد ذکر شده است از ولایت اسلامبول،^۱ مدینه عربستان^۲ و عراق^۳ است.

- در این عریضه‌ها افراد درخواست‌کننده خود را شیعه اثنی‌عشری معرفی می‌کنند و در آن، هدف سفر را زیارت مرقد امام رضا - علیه السلام - بیان می‌دارند.^۴ گاهی در اسناد به سادات بکناشی اشاره شده که کمک دریافت می‌کردند.^۵

- موضوع عریضه‌ها درخواست کمک مالی جهت بازگشت به کشور،^۶ اسکان و معاش در طول اقامت در مشهد^۷ و حتی در موردی درخواست پوستین گرم بوده است.^۸

- گاهی در عریضه‌ها افراد معتبری جهت قبولی درخواست، به‌عنوان واسطه معرفی می‌شدند. از جمله در عریضه‌ای ذکر شده است درویش محمد و درویش سلمان هر دو از ولایت اسلامبول، نامه حاجی میرزا حسن شیرازی را من‌باب استحقاق به همراه دارند.^۹ گاهی نیز در حاشیه، توسط فرد مطلع یا معتبر جهت تأیید متن عریضه نوشته می‌شد. مثلاً در انتهای عریضه‌ای آورده شده است: «عارض از اهل بکناش است خیلی واجب‌الرعايه است با این حال چیزی مرحمت نشده است».^{۱۰}

۱ همان، سند شماره ۲۴۱۰۵/نص ۵ و ۶.

۲ همان، سند شماره ۲۳۷۹۶/نص ۱۵ و ۱۶.

۳ همان، سند شماره ۲۴۰۹۷/نص ۵ و ۶.

۴ همان، اسناد شماره ۲۳۸۰۰/ص ۳۶، ۲۴۸۱۹/نص ۵۸ و ۵۷.

۵ همان، ۳۰۱۹۵/ص ۲ و ۳ اسناد شماره ۱۶۸۹۰/نص ۱۱ و ۱۲.

۶ همان، سند شماره ۲۳۷۹۶/نص ۱۵ و ۱۶.

۷ همان، سند شماره ۲۳۸۰۰/ص ۳۶.

۸ همان، سند شماره ۲۴۷۶۲/ص ۷.

۹ همان، سند شماره ۲۴۱۰۵/نص ۵ و ۶.

۱۰ همان، سند شماره ۲۴۱۷۵/نص ۱۰ و ۱۱.

- در حاشیه تمام عریضه‌ها متولی وقت آستان قدس با پرداخت کمک موافقت کرده است و خطاب به تحویلدار کل آستانه مبلغ ۳ تومان نقد جهت پرداخت تعیین می‌نماید.^۱ در موردی، مبلغ ۳۰۰۰ دینار نقد، ۵ من نان و از مهمان‌سرای زواری به مدت ۱۰ روز نهار و شام تعیین شده است.^۲
- محل تأمین هزینه این کمک‌ها در اسناد، موقوفه نظام‌الدوله ذکر شده است.^۳ در وقف‌نامه مذکور مورد مصرف به این صورت است: «به فقرا، زوار از اهل ایران و از سایر ممالک در زمره شیعیان اثنی‌عشری از اعراب حرمین و حجازین و عتبات عالیات و اتراک ماوراءالنهر بناء علی رأی المتولی والناظر». در این وقف‌نامه حتی جهت زمستان برای سادات و فقرا پوستین و کلیجه در نظر گرفته شده است.^۴

ج) ارتباط آستان قدس با درویشان بکتاشی

آنچه که به‌عنوان نخستین سؤال به ذهن نگارنده خطور کرد، این است که اساساً به چه دلیل آستان قدس به درویشان بکتاشی کمک و به آنان مبالغی پرداخت می‌کرد. از آنجا که سابقه این امر در اسناد دوره صفوی مشاهده می‌شود، لازم است علت در این دوره جستجو شود. پیش از آن پیشینه‌ای مختصر از طریقت بکتاشی ارائه و به دوره صفوی ارتباط داده می‌شود.

طریقت بکتاشیه از مهم‌ترین طریقت‌هایی است که در اوایل قرن هشتم هجری در سرزمین آسیای صغیر شکل گرفت. این طریقت منسوب به «حاجی بکتاش ولی» است. مناقب العارفین که نزدیکترین منبع به زمان اوست از وی به‌عنوان حاجی بکتاش خراسانی یاد می‌کند.^۵ مولد او در سایر منابع شهر نیشابور ذکر شده است.^۶ پس از تهاجم مغول به علت شرایط مناسب سرزمین آتاتولی^۷ به همراه سایر عرفا و متصوفه به این سرزمین مهاجرت کرد. در *بستان السیاحه* آمده

۱ همان، اسناد شماره ۲۴۰۹۷/ص ۵، ۳۶۰۶/۲۳۸۰۰.

۲ همان، سند شماره ۲۴۱۰۵/ص ۵۶.

۳ همان، سند شماره ۴۴۶۴۵، ۴۴۶۳۸/ص ۲۳.

۴ اسماعیل بن حبیب... مستوفی (۱۳۱۷ق)، *آثارالرضویه*، چاپ سنگی، صص ۱۹۳-۱۹۴.

۵ شمس‌الدین احمد افلاکی (۱۳۶۲)، *مناقب العارفین*، به کوشش تحسین یازیجی، تهران: دنیای کتاب، ص ۳۸۱.

۶ معصوم علی‌شاه شیرازی (بی‌تا)، *طرائق الحقایق*، تصحیح محمد جعفر محجوب، تهران: کتابخانه سنایی، ص ۳۴۶.

۷ نک: محمد تقی امامی خوبی (۱۳۹۲)، *ترکان، اسلام و علوی‌گری - بکتاشی‌گری در آتاتولی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی، صص ۸۳-۱۳۴.

است وی ارتباط خوبی با سلطان عثمانی برقرار می‌کند به طوری که به واسطه توجه حاجی بکتاش، سپاه ینی چری ایجاد می‌شود.^۱ ینی چریان که بازوی نظامی عثمانی بودند حاجی بکتاش ولی را پیر طریقت خود می‌دانستند و به خود عنوان بکتاشیه دادند.^۲

در باب معتقدات طریقت بکتاشیه آنچه که مورد تأیید اغلب صاحب نظران قرار گرفته است، وجود تمایلات غالبانه شیعی در آنان است؛ چنانکه عقیده به الوهیت امام علی - علیه السلام - آنان را به علی‌الهیان نزدیک ساخته است.^۳ همچنین محبت اهل بیت در صدر اصول معتقدات آنان قرار گرفته است.^۴ شبی بیان می‌دارد با آن که خصلت تصوف به عقاید بکتاشیه غلبه دارد می‌توان آن را فرقه مشخصی از شیعه و نمونه گویایی از پیوستگی تصوف و تشیع به حساب آورد.^۵

بکتاشیان به دو قسمت تقسیم می‌شدند، کوچ‌نشین و یکجانشین. قزلباشان، بکتاشیان کوچ‌نشین بودند. عثمانیان با حمایت از بکتاشیان یکجانشین میان آنان و قزلباشان تفاوت قائل می‌شدند.^۶ احمد رفیق اسنادی را که در خزینه اوراق ترکیه مضبوط است، بازنویسی کرده است. در سند شماره ۵۴ آمده است که چگونه سلطان بایزید زمین‌هایی را وقف زاویه صاری صالتق از زاویه‌های بکتاشیه می‌کند.^۷ این امر نشان‌دهنده حمایت سلاطین عثمانی از این فرقه است. در این زمان عثمانیان در تلاش‌اند بکتاشیه را به عنوان طریقتی سنی مذهب معرفی کنند. شاهد این ادعا، شرط‌نامه‌ای است که در سال‌های اشغال آذربایجان، بین سال‌های ۱۱۳۷ تا ۱۱۴۰ ق به نگارش درآمده و در دفتر مالیاتی امپراتوری عثمانی ثبت شده است. این شرط‌نامه در باب ابقای وقف زاویه پیر سالتوق در خوی است که وی را از اولاد حاجی بکتاش و از اهل سنت و جماعت معرفی می‌کند.^۸

۱ حاجی زین العابدین شیروانی (۱۳۶۲)، *بستان‌السیاحه*، تهران: کتابخانه سنایی، ص ۱۵۲.

۲ جمالی‌فر، همان، ص ۲۶.

۳ توفیق سبحانی و قاسم انصاری (۱۳۵۵)، «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ش ۱۲۰، ص ۵۱۸.

۴ همان، صص ۵۱۸ و ۵۳۵.

۵ کامل مصطفی شبی (۱۳۸۷)، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ص ۳۶۲.

۶ جمالی‌فر، همان، ص ۷۴.

۷ احمد رفیق (۱۳۷۲)، «شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم / شانزدهم»، *معارف*، ش ۱، ص ۱۱۶.

۸ برای شناخت وقف‌نامه نک: علی‌رضا مقدم (۱۳۸۹)، «وقف‌نامه زاویه بکتاشی در خوی»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۷۰، ص ۱۱۲.

با این حال عثمانیان در تحت نظارت داشتن بکناشی‌ها و جلب رضایت آنان چندان موفق نبودند، چرا که گزارش‌هایی از شورش آنان علیه عثمانیان داده شده است.^۱ به دنبال افزایش فعالیت طریقت صفوی، بکناشیان ساکن در نواحی شرقی آناتولی به آنها پیوستند. با توجه به این که عثمانی‌ها به موقعیت ناآرام آناتولی به‌عنوان یک مشکل داخلی امپراتوری می‌نگریستند^۲ به نظر می‌رسد همین امر یکی از دلایلی است که پادشاهان عثمانی و صفوی همواره در طول ۲۲۸ سال هم‌جواری با یکدیگر مخالف بودند و گرچه گاهی میان آنها صلح برقرار می‌شد، اما بعد از مدتی صلح را نقض می‌کردند.

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان احتمال داد که درویشان بکناشی در مشهد از مهاجرین سرزمین آسیای صغیر بودند که با توجه به اختلافات با امپراتوری عثمانی و داشتن صبغه شیعی و علاقه به اهل بیت - سلام‌الله‌علیهم - به درگاه امام رضا - علیه‌السلام - پناه آورده و در مشهد مستقر شده‌اند. دولت صفوی نیز بنا به اختلافات مذهبی و سیاسی با دولت عثمانی، پذیرای آنها می‌شود. تا آنجا که شاه عباس دوم پروانچه‌ای صادر و آستان قدس را ملزم به پرداخت وظیفه به این جماعت می‌کند. در خصوص این که چرا این مسئولیت بر عهده آستان قدس گذارده شد، می‌توان به این دلایل اشاره کرد:

۱. با تکیه بر پروانچه‌ها و ارقامی که شاهان صفوی صادر کرده‌اند و به رؤیت و بررسی نگارنده رسیده است^۳ این نتیجه گرفته می‌شود که شاهان صفوی به خود اجازه می‌دادند تا در مصارف موقوفات آستان قدس دخالت نمایند و به زعم خود برای هر آنکس که صلاح بدانند مستمری و وظیفه تعیین کنند.

۲. با بررسی وقف‌نامه‌های رقباتی که از محل درآمد آنها وظیفه به درویشان بکناشی داده شده است بخشی از موقوفات، به‌صورت مطلقه است یعنی مصرف آن در اختیار متولی وقت آستان قدس گذارده شده است تا بر اساس نیازهای موجود، آن را به مصرف رساند، نظیر طواحین میرعلیشیر و میرشیخم.^۴ بخش دیگر نظیر مزرعه کنه بیست و طاحونه کلوخ از موقوفات خواجه عتیق علی منشی، برای مصارف مساکین و پرداخت کمک به افراد

۱ نک: محمدتقی امامی خویی (بی‌تا)، «قیام‌های علوی-بکناشی آناتولی»، دانشگاه الزهراء(س)، ش ۶۶، ص ۱۷، صص ۲۱-۳۸.

۲ عباس‌علی شاملی و هادی حسینخانی (۱۳۸۲) «ریشه‌های چالش و درگیری میان صفویان و عثمانیان»، تاریخ در آیین پژهش، ش ۴.

۳ حمیده شهیدی، همان.

۴ مرکز خراسان‌شناسی آستان قدس رضوی (۱۳۷۹) *طومار عضدالملک-۱۲۷۳ ق*، بازخوانی و تصحیح: مرکز خراسان‌شناسی آستان قدس رضوی، ص ۴۱.

بی‌بضاعت است.^۱ همچنین منافع دکانین خیابان سفلی از موقوفات الله‌وردی خان نیز برای فقرای مجاور و زوار است.^۲ با مطالعه معتقدات بکتاشیه، این امر روشن می‌شود که آنان دارای افکاری صوفیانه با گرایش به زهد و فقر بودند^۳ از این رو این اعتقادات، آنان را در ردیف افراد بی‌بضاعت قرار می‌داد و این امر توجیه منطقی است که چرا پرداخت کمک به آنان از محل موقوفات آستان قدس هزینه می‌شد.

با آغاز حکومت سلسله افشاریه در سراسر حکومت نادرشاه، سندی در باب پرداخت وظیفه به درویشان بکتاشی وجود ندارد که می‌توان دلایل زیر را برای آن برشمرد:

۱. یکی از دلایل، تغییر سیاست نادرشاه نسبت به آستان قدس است. در زمان او موقوفات به نفع دیوان ضبط شد و مهم‌ترین منبع درآمد این مجموعه تحت کنترل و اختیار کامل حکومت افشاریه درآمد.^۴

۲. برخلاف سیاست مذهبی صفویان که اختلاف مذهبی خود را در مقابل عثمانی به صراحت نشان می‌دادند، نادر شاه تمایلی برای بروز این اختلاف نداشت. فریزر خبری از گفتگوی نادر با علما می‌دهد که نشان از عدم اقبال او به این امر است.^۵ این گفتگو به خوبی نشان دهنده آن است که نادر تمایلی به پرداخت «وظیفه» به علما و طلاب ندارد. به تبع سایر وظیفه‌بگیران، درویشان بکتاشی نیز از گرفتن وظیفه محروم می‌شوند. اسناد موجود بر این امر صحه می‌گذارد، چرا که تا حدود سال ۱۱۶۳ ق سندی در باب پرداخت وظیفه به افراد موجود نیست.

همان‌گونه که گذشت برقراری مجدد وظیفه به دنبال دستورالعمل ثبت شده در طومار علیشاهی است، چرا که در آن به‌مانند دوره صفویه، درویشان بکتاشی به همراه موالی و مشایخ برای گرفتن وظیفه معرفی می‌شوند. میزان مبلغ تعیین شده، همان مبلغ مقرر در دوره

۱ مهدی خانی‌زاده (۱۳۹۱)، «معرفی یکی از موقوفات آستان قدس: موقوفه عتیقی»، پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیمی، ش ۱، ص ۱۵۹.

۲ رضا انزایی نژاد و دیگران (۱۳۸۸)، بیست وقفنامه از خراسان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، صص ۶۲-۵۹.

۳ شبیبی، همان، ص ۳۵۹.

۴ نک: منصور صفت گل (۱۳۷۹)، «میراث صفویان؛ تکاپوهای نادرشاه، ساخت نهاد وقف در عهد افشاریان»، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱، صص ۲۵۵-۲۸۵.

۵ جیمزبیلی فریزر (۱۳۶۳)، تاریخ نادر شاه افشار، ترجمه ابوالقاسم ناصرالملک، تهران: پاسارگاد، ص ۸۳.

صفویه است. لذا این نظر را قوت می‌بخشد که طومار مذکور از روی طومارها و دستورالعمل‌های دوره صفوی نوشته شده است. بنابراین پرداخت وظیفه به درویشان تکیه بکناشی در مشهد به پیروی از سنتی است که در دوره صفویه پایه‌گذاری شده است و آنان را جزو وظیفه‌بگیران قرار می‌دهد.

این سنت به قدری پابرجا و قوی است که به دوره قاجاریه هم به ارث می‌رسد، چرا که با منسوخ شدن وظیفه، درویشان تکیه بکناشی مشهد در ردیف شهریه‌بگیران قرار می‌گیرند. زوار بکناشی نیز از سایر کشورهای اسلامی ترک دیار کرده و به مشهد می‌آمدند و گاهی در زمره زوار ابناء السبیل و مساکین قرار می‌گرفتند. به نظر می‌رسد در این زمان دلیل کمک به آنان رقابت مذهبی با عثمانی نباشد؛ بلکه دلیل آن وجود موقوفاتی است که مصارف آن مخصوص زوار و فقرا و تعهدی است که آستان قدس به‌عنوان نهاد وقفی در انجام اهداف واقفان دارد. همان‌گونه که گفته شد از درآمد موقوفاتی که به درویشان بکناشی کمک می‌شد موقوفه نظام‌الدوله است. نوع مصارف آن که برای فقرا و زوار ایرانی و غیرایرانی شیعه اثنی‌عشری است، دلیل مستندی بر نظر نگارنده است.

نتیجه‌گیری

طریقت بکناشیه از قرن هشتم هجری در آناتولی ظهور کرد و به یکی از فرقه‌های مهم اسلامی تبدیل گردید و در سایر بلاد گسترش یافت. به‌رغم این که این طریقت منسوب به یک ایرانی اهل نیشابور خراسان است، با این حال در هیچ منبعی از آنان در ایران یاد نمی‌شود. اما از سال ۱۰۶۹ق در اسناد تشکیلات اداری آستان قدس موجود در مرکز آرشیو این مجموعه، به نام درویشان بکناشی ساکن در تکیه‌ای در کنار مضع امام رضا - علیه‌السلام - برمی‌خوریم. به نظر می‌رسد آنان از مهاجرین سرزمین آسیای صغیر بودند که با توجه به وجود اختلافات با امپراتوری عثمانی و داشتن صبغه شیعی و علاقه به اهل بیت به درگاه امام رضا - علیه‌السلام - پناه آورده‌اند. دولت صفوی نیز بنا به اختلافات مذهبی و سیاسی با دولت عثمانی، پذیرای آنها می‌شود و از سوی شاه عباس دوم صفوی، مقرری به‌صورت نقدی و جنسی به‌عنوان وظیفه برای آنان تعیین می‌شود. به‌رغم این که هیچ موقوفه‌ای مبنی بر پرداخت هزینه به جماعت مذکور موجود نیست این مسئولیت بر عهده آستان قدس رضوی گذارده می‌شود. دلیل گذاردن این مسئولیت آن است که شاهان صفوی به خود اجازه می‌دادند در مصارف

موقوفات دخالت کنند و از محل آن به زعم خود برای افراد، مقرری تعیین کنند. از سوی دیگر درویشان تکیه بکتاشی بنا بر گرایش به زهد و فقر در ردیف افراد بی بضاعت قرار می‌گرفتند از این رو از محل موقوفه‌هایی که جهت مصارف فقرا بود، به آنان وظیفه پرداخت می‌شد.

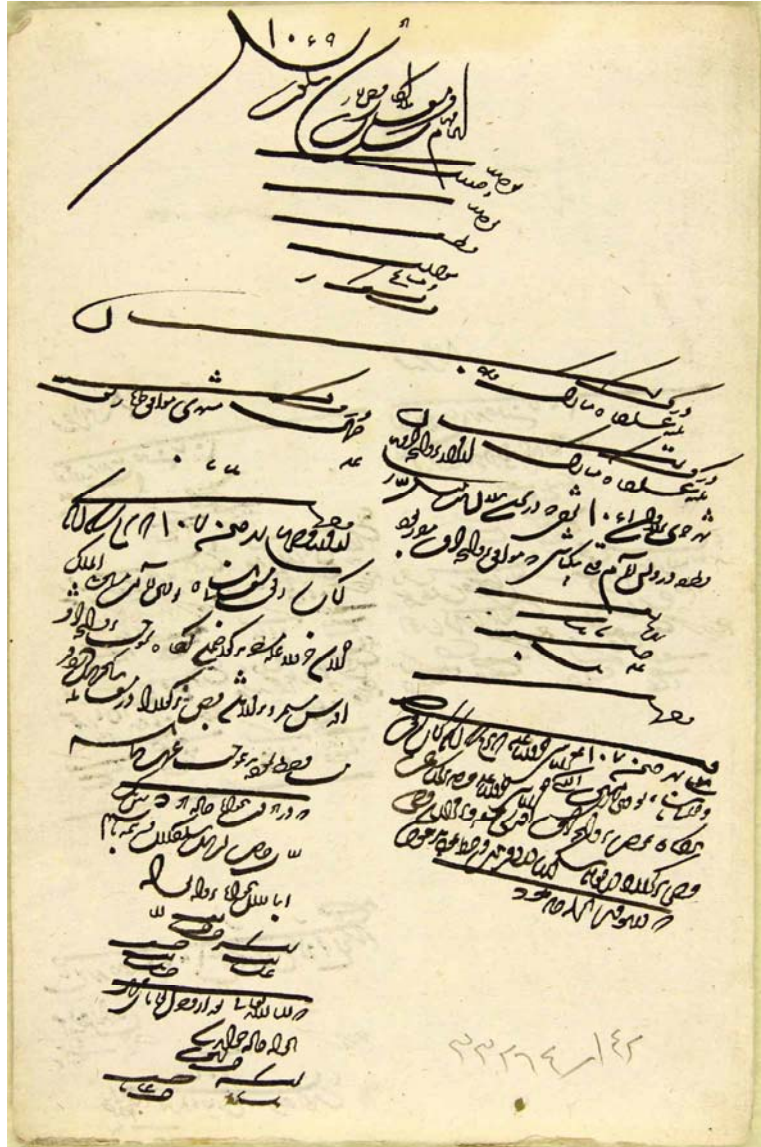
این روند اگرچه در زمان نادرشاه متوقف شد و دیگر هیچ مبلغی به وظیفه‌بگیران پرداخت نمی‌شد، اما بعد از او با تدوین طومار علیشاهی از سال ۱۱۶۳ ق دوباره پرداخت وظیفه به وظیفه‌بگیران از جمله درویشان تکیه بکتاشی به‌مانند دوره پیشین انجام می‌شود. به نظر می‌رسد طومار مذکور از روی طومارها و دستورالعمل‌های دوره صفوی نگارش یافته باشد، اما این بار نه به خاطر رقابت با عثمانی بلکه به سبب پیروی از سنتی است که در دوره صفویه آنان را در ردیف وظیفه‌بگیران قرار می‌داد. سنتی که به دوره قاجار نیز انتقال می‌یابد. در دوره قاجار پرداخت وظیفه در آستان قدس منسوخ و شهریه جای آن را می‌گیرد. از این رو به درویشان تکیه بکتاشی نیز شهریه تعلق می‌گیرد که یک کمک ماهانه بود. این امر در اسناد تا سال ۱۳۰۵ ق ادامه دارد. اما به نظر می‌رسد به دلیلی نامعلوم، تکیه مذکور کارایی خود را از دست می‌دهد. با این حال با توجه به اسناد، از این زمان درویشان این تکیه به‌صورت انفرادی کمک ماهانه خود را دریافت می‌دارند. علاوه بر آن در این دوره، آستان قدس به درویشان بکتاشی سایر کشورهای اسلامی که جهت زیارت مرقد امام رضا - علیه‌السلام - به این دیار سفر می‌کردند به‌عنوان زوار ابناء السبیل و فقیر کمک می‌کند. محل پرداخت هزینه کمک به آنان، موقوفه‌هایی است که خاص کمک به افراد فقیر و زوار ابناء السبیل است. درویشان بکتاشی نیز که به زهد و فقر گرایش داشتند در ردیف افراد بی بضاعت قرار می‌گرفتند. زوار بکتاشی نیز به استناد عریضه‌های آنها در زمره زوار فقیر و در راه مانده محسوب می‌شدند و مستحق دریافت کمک می‌شدند.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی‌راد، عطا (۱۳۸۹)، سیرتاریخی طریقه بکتاشیه، تهران: ثالث.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۲)، مطلع الشمس، مقدمه و فهرست محمد پیمان، تهران: پیشگام.
- افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۳۶۲)، مناقب العارفین، به کوشش تحسین یازیجی، تهران: دنیای کتاب.
- امامی خوبی، محمد تقی (بی‌تا)، «قیام‌های علوی-بکتاشی آناتولی»، دانشگاه الزهرالس، ش ۶۶، س ۱۷،

- صص ۲۱-۳۸.
- (۱۳۹۲)، ترکان، اسلام و علوی‌گری- بکتاشی‌گری در آناطولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انزایی‌نژاد، رضا و دیگران (۱۳۸۸)، بیست و قننامه از خراسان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بوسه، هریرت (۱۳۶۷)، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ترجمه غلام رضا وره‌رام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفوی»، گنجینه اسناد، ش ۶۷، صص ۶۳-۷۸.
- خانی‌زاده، مهدی (۱۳۹۱)، «معرفی یکی از موقوفات آستان قدس: موقوفه عتیقی»، پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ش ۱، صص ۱۵۰-۱۹۷.
- جمالی‌فر، مهدی (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر شناخت جامعه علویان ترکیه. تهران: امیرکبیر.
- رستمی، عادل (۱۳۸۵)، «مناسبات تشیع و تصوف در آناطولی و تأثیر آن بر همگرایی صفویان و ترکمنان این منطقه»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۴، صص ۴۱-۷۰.
- رفیق، احمد (۱۳۷۲)، «شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم / شانزدهم»، معارف، ش ۱.
- سبحانی، توفیق و انصاری، قاسم (۱۳۵۵)، «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۱۲۰، صص ۵۰۵-۵۴۶.
- سیدی فرخ‌د، مهدی (۱۳۹۲)، «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد، مشهد: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
- شاملی، عباس‌علی و حسین‌خانی، هادی (۱۳۸۲) «ریشه‌های چالش و درگیری میان صفویان و عثمانیان»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۴.
- شبلی، کامل مصطفی (۱۳۸۷)، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- شیرازی، معصوم علیشاه (بی‌تا)، طرائق الحقایق، تصحیح محمد جعفر محجوب، تهران: کتابخانه سنایی.
- شهیدی، حمیده (۱۳۹۱)، طرح پژوهشی: گزیده پروانچه‌ها، ارقام و تعلیق‌ها، آستان قدس رضوی در دوره صفویه، مصوب سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس (در دست انتشار).
- ----- (۱۳۹۲)، «بررسی پروانچه‌ها در اسناد تشکیلات اداری آستان قدس در دوره صفوی»، گنجینه اسناد، س ۲۳، صص ۶-۲۴.
- شیردل، تقی و رازنهان، محمد حسن (۱۳۹۰)، «بررسی نقش و کارکرد طریقه‌های صوفی در امپراتوری عثمانی با تأکید بر طریقت بکتاشیه»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۳، صص ۱۲۹-۱۵۹.
- شیروانی، حاجی زین‌العابدین (۱۳۶۲)، بستان‌السیاحه، تهران: کتابخانه سنایی.
- صدرالمتألهین لاهیجانی، محمدبن محمد علی (۱۳۸۶)، تاریخ و جغرافیای شهر مشهد، تصحیح محمد رضا

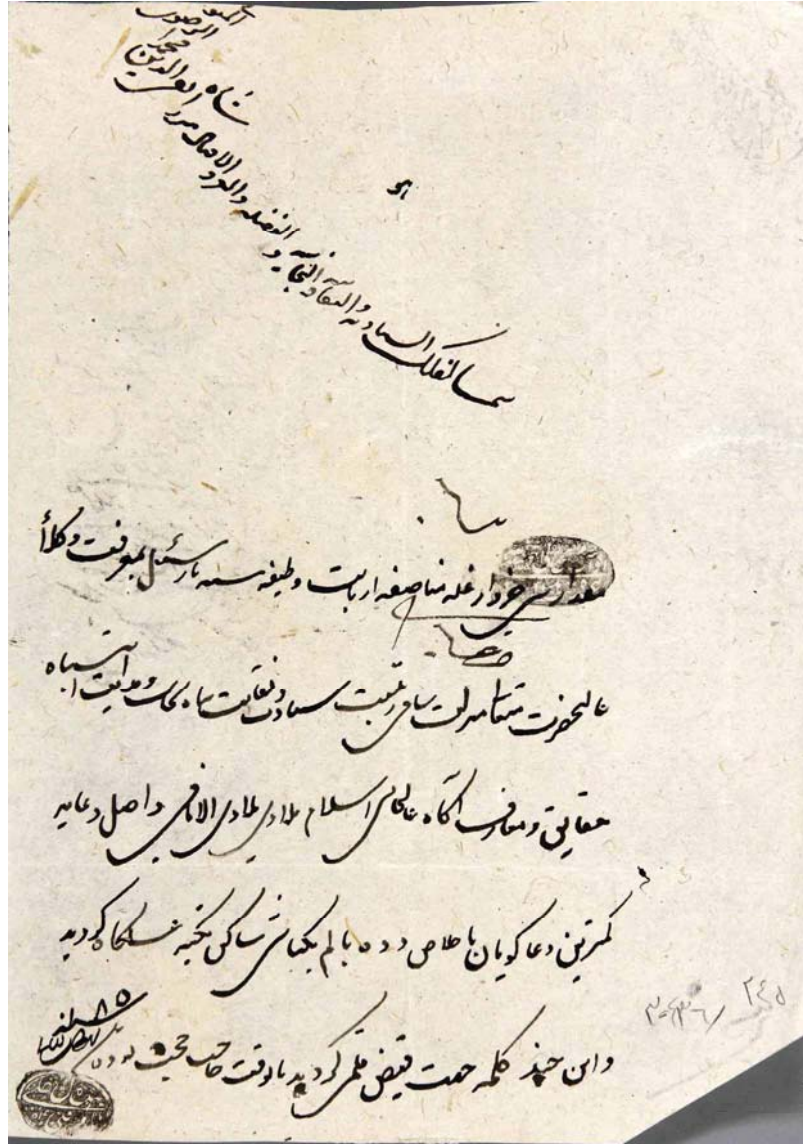
- قصبایان، مشهد: انصار.
- صفت گل، منصور (۱۳۷۹)، «میراث صفویان؛ تکاپوهای نادرشاه، ساخت نهاد وقف در عهد افشاریان»، *ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ش ۱، صص ۲۵۵-۲۸۵.
- عالم‌زاده، هادی و مخبر دزفولی، فهیمه (۱۳۸۵)، «نقدی بر مقاله حاج بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه»، *تاریخ اسلام*، ش ۲۶، صص ۹۵-۱۰۵.
- فریزر، جیمزبیلی (۱۳۶۳)، *تاریخ نادر شاه افشار*، ترجمه ابوالقاسم ناصرالملک، تهران: پاسارگاد.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- مرکز خراسان‌شناسی آستان قدس رضوی (۱۳۷۹)، *طومار علیشاهی-۱۱۶۰*، بازخوانی و تصحیح مرکز خراسان‌شناسی آستان قدس رضوی.
- ——— (۱۳۷۹)، *طومار عضدالملک-۱۲۷۳*، بازخوانی و تصحیح مرکز خراسان‌شناسی آستان قدس رضوی.
- گلپناری، عبدالباقی (بی‌تا)، «پیرسلطان ابدال»، ترجمه شهاب ولی، *ایران شناخت*، صص ۱۰۷-۱۲۹.
- مخبر دزفولی، فهیمه (۱۳۸۹)، *پیدایش طریقت علوی- بکتاشی در آنتولی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی، اسماعیل بن حبیب‌الله (بی‌تا)، *آثار الرضویه*، ۱۳۱۷ق، چاپ سنگی.
- مستوفی الممالک، محمدرفعی بن حسن (۱۳۸۵)، *دستورالملوک میرزارفیع*، به تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- مقدم، علی رضا (۱۳۸۹)، «وقف‌نامه زاویه بکتاشی در خوی»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۷۰، صص ۱۰۹-۱۲۴.
- مرکز اسناد آستان قدس رضوی، شماره‌های سند: ۳۳۲۶۴ / ۱۴۲ و ۱۴۴، ۳۰۴۳۶ / ۳۰۴۳۵ و ۲۴۶ / ۳۷۷۲۵، ۵۳ و ۵۲ / ۱۱ / ۳۴۲۰۱، ۱۳ / ۳۴۴۰۳، ۵۶ و ۵۵ / ۳۴۵۰۱، ۳۲ / ۳۴۲۰۱، ۳۷۳۳۲، ۱۳ / ۳۷۳۲۰، ۳۷۲۹۳، ۳ / ۳۴۶۹۹، ۳ / ۳۴۶۹۹، ۴۵ و ۲۷ / ۳۵۱۹۰، ۱۷ و ۱۶ / ۳۵۲۰۷، ۳۵۲۷۳، ۱۴ / ۳۵۱۹۵، ۳ / ۳۵۳۱۷، ۳۵۳۷۷، ۱۹ / ۳۶۱۳۶، ۳۰۳۹۰ / ۱۲۸ و ۵۵ / ۳۰۳۹۰، ۲۱ / ۳۶۱۲۷، ۳ / ۳۶۰۸۷، ۱۰ و ۹ / ۳۶۱۲۸، ۲۹ / ۳۷۳۸۹، ۱۰ / ۳۵۸۹۷، ۴ / ۳۰۶۰۷، ۶ / ۳۷۴۹۱، ۳۶ و ۲۵ / ۳۵۸۷۰، ۳ / ۳۵۸۶۷، ۳۷۲۰۶، ۳۶۰۲۷، ۲ و ۱ / ۳۰۳۲۸، ۱ / ۳۶۰۰۳، ۳۶۰۱۰، ۸ / ۳۶۶۱۵، ۳ و ۴ / ۳۰۳۲۸، ۵ و ۴ / ۳۶۱۶۸، ۳۶۱۶۸، ۴ / ۳۶۰۵۹، ۴ / ۳۷۳۷۹، ۳۷۳۷۱، ۴ / ۳۷۵۳۴، ۷ / ۳۶۴۳۲، ۱ / ۳۶۴۸۰، ۸ / ۳۶۶۱۵، ۱۲ / ۳۶۶۱۰، ۳۶۶۶۰، ۵۵ / ۳۶۶۸۳، ۱۰ / ۳۶۶۹۳، ۳۶۷۳۹، ۷ و ۱ / ۳۶۷۵۲، ۱ / ۶۲۴۲۵، ۳۵۹۹۳، ۳ و ۷ / ۲۰۷۶، ۱۶ و ۱۵ / ۲۳۷۹۶، ۱۶ و ۱۵ / ۲۳۸۰۰، ۳۶ / ۲۴۰۹۷، ۵ و ۵ / ۱۵۷۶۶، ۸۳ / ۱۵۷۷۳، ۳۰ / ۱۶۲۳۶، ۲۳ / ۱۶۱۶۸، ۱۰ / ۱۶۱۱۷، ۱۴ و ۱۳ / ۱۶۰۵۰، ۵ و ۵ / ۲۴۳۰۱، ۱۱ و ۱۰ / ۲۴۱۷۵، ۶ و ۵ / ۲۴۱۰۵، ۷ و ۱ / ۱۶۲۴۸، ۱۶۲ و ۱۶۱ / ۱۶۳۰۲، ۱۱۵ / ۱۶۳۸۱، ۱۱۵ / ۱۶۳۶۸، ۱۷۴ و ۱۷۳ / ۱۶۳۶۸، ۹۵ و ۸۵ / ۱۶۳۵۱، ۴۹ / ۱۶۳۱۸، ۱۵۹ / ۱۶۵۲۴، ۳۶ / ۱۶۵۷۰، ۹ / ۱۶۵۹۷، ۷ / ۱۶۶۲۱، ۳۲ / ۲۱۵۴۱، ۳ و ۲ / ۳۰۱۹۵، ۳۱۵۲۲، ۶۶ / ۱۶۶۶۵، ۲ و ۱ / ۲۱۵۵۸، ۳ / ۱۶۶۹۲، ۱۳ / ۴۱۲۲۹، ۷ / ۲۴۷۶۲، ۹ / ۱۶۸۱۸، ۹ / ۱۶۸۶۴، ۹ و ۱۱ / ۱۶۸۹۰، ۱۱ و ۹ / ۱۶۸۷۹، ۵۷ / ۲۴۸۱۹، ۴۴۶۳۸، ۴۳۷۶۱، ۲۳ / ۴۴۶۴۵.



شماره سند: ۳۳۲۶۴ ص ۱۴۲

تاریخ: ۱۰۶۹ ق

شرح سند: پرداخت وظیفه به وظیفه بگیران از جمله درویشان تکیه بکتاشی درمشهد



شماره سند: ۳۰۴۳۶ ص ۲۴۵

تاریخ: ۱۰۸۵ ق

شرح سند: رسید دریافت و وظیفه توسط دده بالم بکتاشی ساکن تکیه بکتاشی در مشهد

در این خطبه که در روز شنبه ۱۳۰۵ قمری در محراب مبارک حضرت زین العابدین علیه السلام در خواران
 درویشان بکتاشی شریفان در وقت کلام بود که در آنجا در بیان فضیلت اهل بیت علیهم السلام
 بزرگوار حضرت زین العابدین علیه السلام که در آنجا در بیان فضیلت اهل بیت علیهم السلام
 است و لفظ ما تر یک است زبان فارسی بهر نیت
 و نوشته جناب استیلا بقره نام مراد حسن سرار
 همه آنچه در علمای بکتاشی در این باب است
 محفوظان داریم حاله آنکه در این محراب مولی ما
 حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام و حضرت یحییٰ بن
 عمیر انقاس فرمایند و بزرگوار در تبت است
 رعاکو کرامت بکتاشی در این باب است

شماره سند: ۵۲۴۱۰۵ص

تاریخ: ۱۳۰۵ق

شرح سند: درخواست کمک از آستان قدس توسط دو نفر درویش بکتاشی اهل ولایت استانبول به همراه دستور پرداخت مبلغ نقدی و جنسی به آنان

